

إنَّ الْمُجَاهِدَةَ نَفْسَهُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَعَنْ مَعَاصِيهِ عِنْ دِلْلَةِ سَبَحَانَهُ بِمَثُلَّةِ تَرْشِيدٍ.
کسی که در راه فرمانبری از خدا و دوری از نافرمانی او، با نفس خوبش مبارزه کند، نزد خداوند سیحان منزلت
نیکوکار شهید را دارد.

غیرالحکم: ۳۷۶

اگر انسان خودش را اصلاح کند و غل و غش نداشته باشد و طریقه اهل بیت عصمت علیه السلام را بگیرد و در این راه به یک از اولیای خدا وصل بشود، زودتر به نتیجه می‌رسد؛ عمدۀ کار دست خود انسان است.

کتاب پندت‌های آسمانی، ص ۳۷۶

و فاطمه، دختر موسی بن جعفر علیه السلام آن مقام و منزلت را یافت که برادر بزرگوارش را را معصومه لقب داد. او سرچشمۀ پاکی بود و وجودش عطر تنگی را در حیات پدر می‌پراکند تا آن‌جا که همچون جده بزرگوار خوبش، از پدر به دریافت شناس افتخار «فداها آبها» ناتل گردید.^{۱۳}

و به راستی می‌گشت و از روی مرک راه‌های خوبش خونی نیوی در سراسر وجودش می‌داند. شمعی بود فرزون که در عین فروزنگی به معماک خاک سپرده می‌شد و بی‌صدا خاموش می‌گشت.

نا آنگاه که خورشید اسلام از افق خرد های سرکوب شده و فظرت های در خاک شده، سر برآورد و با آموزه‌های تعالی خوش خوبش، غبار از چهره این گوهر برگرفت و ارزش و جایگاه آن را به مهگان آشکار ساخت. آن او و پسر گلی خوبش دانست و در پاکی و عصمت، بین او و پسر فرقی نهاده. کان محبت شمرده شد و کمک کار و موش و پاک و پاکستنده. به جای آنکه شکنجه روان باشد، آرامه جان شد وجودش نیکو شمرده^{۱۴} و مایه برکت دانسته شد.^{۱۵}

آن‌چنانچه، اکافی (ط - اسلامی)، ج ۶، ص ۶۷: مسدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶، ح ۷۷: همچنین بهره‌مند شدن از نعمت وجودش، اسباب رهایی پدر از شراره اش در خاک شده و عهدۀ دارشدن سرپرستی شن نوید بخش بهشت به پدر و برادرش شد.^{۱۶}

از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۱۷}

همچون مغناطیسی نیرومند، محبت خداوند را بیش از پس، به خود جذب کرد.

از دریچه آموزه‌های فرازمند اسلام، بهترین مردان، مردانی هستند که برای زنان و دختران خوبش بهترین پاپندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲۶۷: این‌ها تیار و تعلیقی علی الات از این منه علی‌الدکور و مسائل الشیعه و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی نگاهشان داشت.

فاطمه علیه السلام، دختر بی‌پایمر علیه السلام در نگاه بدر که از چشم خداوند به او می‌گریست، آن قدر ارج و قرب بیافت که او را پاره تن^{۱۸} و شاخه‌ای از درخت وجود خوبش^{۱۹} بر شرمد. در این‌ها که شادمندش وجود بی‌پایمر را سرشار از شادمانی می‌نماید و ریحانش، اسباب زنجش پایمر^{۲۰} را فراهم می‌آورد. او نور چشم و میوه دانش و از ضربه‌ای های سنگ ندانی و خشکاندیشی پس، به خود جذب کرد.

از عالم لاذت نبات از ناثر آنها و بخت لَهُ الْجَنَّةُ فَبَلَى^{۲۱} نیز از فرزندان اسماعیل علیه السلام از قید بندگی قادر یافت.^{۲۲}

در حدیث بی‌پایمر^{۲۳} می‌خواهد که پاره می‌زند و تنهایی برای خواهاد خود می‌شود، همچنین کسی است که می‌خواهد به نیازمندانی مکنند (همان پاداش را دارد) و هنگام که می‌خواهد، نفع را تقسیم کنند، بختی باشد به دختر و بعد به سران بدهد. چراکه هر کس دخترش را شاد و مسورو کند، چنان است که گویند کسی از فرزندان اسماعیل علیه السلام را از اراده کرده باشد. تفسیر نموی، ج ۱۱، ص ۲